

بررسی رابطه کوشک و محوطه در باغ‌های ایرانی

محمد سلطان زاده*

کارشناس ارشد معماری، مربی و عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۹/۲۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۱۱/۱۷)

چکیده:

از آنجا که باغ آمیزه‌ای است از توده‌ی معماری و فضای سبزی (محوطه) که آن را در بر گرفته است، لذا چگونگی استقرار توده‌ای معماری (کوشک) نقش ویژه‌ای در کیفیت معماری باغ دارد. در این میان گرچه بخش عمده‌ای از باغ به فضای باز اختصاص یافته، اما کوشک - حتی در سطحی اندک - کانون بصری و عملکردی باغ است. این نوشتار باغ‌ها را بر اساس فرم و محل استقرار کوشک به چهار گروه شامل باغ‌هایی با کوشکی منفرد در مرکز، باغ‌هایی با کوشکی در ۱/۳ انتهایی باغ، باغ‌هایی با چند حیاط یا فضای تفکیک شده و باغ‌هایی که بیش از یک کوشک دارند؛ تقسیم کرده، سپس به قیاس آنها از چهار منظر می‌پردازد؛ چگونگی پیوند کوشک با زمینه، تجربه ناظر و بعد زمان، اجزاء و سازماندهی، قضا و نیروهای بصری. این مقایسه نشان می‌دهد هر گونه تغییر در فرم، تعداد یا محل استقرار کوشک، بر وجوه کیفی باغ اثر می‌گذارد و امکان طرح این فرضیه را که کوشک عاملی مهم در تبیین و تعیین کیفیت معماری باغ و ساختار آن است؛ به ما می‌دهد.

واژه‌های کلیدی:

باغ، کوشک، محوطه، ساختار باغ.

مقدمه

نتایج حاصل از استقرار توده (کوشک)، فضاهای مثبت و منفی ایجاد شده، کیفیت ارتباط و ترکیب آنها، پیوندهای بصری کوشک و محوطه و ... و به بیانی ساده تأثیرات متقابل کوشک و محوطه بپردازد.

به این منظور - رها از تقسیم بندی های موجود - باغ ها را بر اساس قرم کوشک و چگونگی استقرار آن دسته بندی کرده سپس به مقایسه آنها می پردازد. برای نیل به استنتاج بهتر و پرهیز از اضافه گویی، مصادیق قیاس به چهار مورد زیر محدود شده اند:

۱- پیوند کوشک با زمینه، که در آن به نحوه استقرار توده معماری در محوطه و رابطه برقرار شده بین آنها اشاره می شود.

۲- تجربه ناظر و بعد زمان، که در آن به تحلیل تجربه و مشاهدات ناظر از بدو ورود تا سیر در باغ و حضور یا عدم حضور بعد زمان در آن می پردازد.

۳- سازماندهی و اجزاء، که در آن تأثیر تغییر موقعیت و قرم کوشک در سازماندهی ساختار کلی باغ مورد توجه قرار می گیرد.

۴- فضا و نیروهای بصری، که در آن به کیفیت و کمیت فضاهای ایجاد شده و تحلیل نیروهای بصری (یا محوریت کوشک) پرداخته می شود.

بخشی از نیازهای فطری بشر در ساخت فضایی که آن را باغ می نامیم تجلی یافته اند. گرچه میزان و کیفیت توجه ملل مختلف به باغ در طول تاریخ به دلایل فرهنگی و اقلیمی و ... متفاوت بوده است، لیکن ترقی در تاریخ، پیشینه ای آمیخته به مباحثات و افتخار ما را در باغ و باغ سازی تا زمانی که گستره ای از هند تا مصر، ایران نامیده می شده، نشان می دهد. همچنین با کنکاش در گنجینه معماری جهان به گونه ای از باغ برمی خوریم که با عنوان باغ ایرانی در کنار معدود گونه های دیگر می درخشد. این بدان معنی است که باغ ایرانی دارای هویتی معین بوده و بدلیل آنکه بر پایه های منطقی مبتنی بر نیازهای فطری انسان بنا شده توانسته در گذر هزاره ها پایدار بماند. بالتبع باغ ایرانی در حوزه تئوری نیز دارای تعریفی معین، مدرک و مبسوط در کلیت و اجزاء خود است و براین اساس می توان آن را از زوایای مختلف معرفی و تحلیل کرد. گستره این تحلیل می تواند از نقش زیست محیطی باغ تا گونه شناسی گیاهی، یا از هندسه تا نقش باغ در بافت شهری باشد.

از آنجا که باغ آمیزه ای از توده معماری و محوطه است و توده معماری (کوشک) به صور مختلف در باغ ظاهر می شود، این نوشتار تمرکز خود را بر بررسی رابطه توده و محوطه در باغ معطوف کرده و تلاش می کند تا به تحلیل و بررسی تأثیرات و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

گروه بندی باغ ها

به دلیل نقش تعیین کننده بستر و کوشک در باغ، تقسیم بندی های معمول انجام شده برای باغ بر اساس توجه به یکی از این دو عامل بوده است. لیکن در این نوشتار با مطالعه و بررسی قرم و محل استقرار کوشک و همچنین سطح فضاهای خدماتی و ارتباط آنها با کوشک و توجه توأمان به ساختار کلی، باغها در چهار گروه جای داده شده اند: باغ هایی که کوشک در مرکز است، باغ هایی که کوشک در ۱/۲ انتهایی باغ قرار گرفته، باغ هایی که دارای چند قضا یا حیاط جداگانه اند و باغ هایی که دارای بیش از یک کوشک هستند^۱. ضروری است پیش از آنکه به تفصیل هر یک از این گروه ها و مقایسه آنها پرداخته شود سه یادآوری صورت پذیرد:

عوامل موثر در شکل گیری باغ

الگوی باغ ایرانی که بر پایه هندسه، آب، گیاه و بستر استوار است، در درون خود دارای دسته بندی هایی است. از یک منظر و با

تکیه بر کارکرد کوشک و باغ، آن را به باغ های سکونت، حکومتی، باغ مزار و ... تقسیم کرده اند، از سویی "باغ ایرانی را به اعتبار طرح و نقشه آن می توان به سه دسته تقسیم کرد. ۱- باغ های مسطح و کم شیب ۲- باغ های شیب دار و صفا یندی شده و سکودار ۳- باغ های احداثی در زمین های عارضه دار طبیعی یا دریاچه ها" (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۷۵، ۵۸۷) که این تقسیم بندی با تکیه بر ویژگی های بستر صورت گرفته است.

همچنین می دانیم که در هریک از این دسته ها نیز تفاوت هایی در ساختار باغ وجود دارد و در همه آنها الگوی تعریف شده از باغ ایرانی عیناً پیاده نشده است. ... تطبیق طرح با شرایط بیرونی سایت، ارتباط با بافت شهری یا توپوگرافی زمین و همچنین اصلاحات والحاقت انجام شده در گذر زمان، منجر به ایجاد طرحی می شود که از الگوی اصلی فاصله دارد" (۱۹۷۷، ۷۸، Alemi) چرا که "هنگامی که خطوط یا راستاهای نیروی هر شکل هندسی مشخص شد، معمار بلافاصله شیوه یا ابزاری را در نظر

نظر می‌رسد بررسی ارتباط بین بنا و محوطه در باغ (موضوع این نوشتار) نسبت به دیگر ابنیه توجه بیشتری را می‌طلبد.

باغ و بافت شهری

هنگام بررسی ارتباط بین کوشک و محوطه، باید توجه داشت که باغ بخشی از بافت شهری یا در ارتباط نزدیک با آن است و همچون دیگر بناها ملزم به برقراری ارتباط و تبعیت از نظم، هماهنگی و ساختار شهر است. به عبارتی فضاهای پر و خالی باغ در مقیاسی کلان، عناصر سیمای شهری هستند. در حقیقت هر بنایی از بافت شهری تاثیر گرفته و در نهایت بخشی از آن خواهد بود و از آنجا که سطح عمده‌ای از باغ را فضای باز تشکیل می‌دهد، این ارتباط که متأثر از چگونگی استقرار کوشک نیز است، اهمیت بیشتری می‌یابد. لذا گرچه ما به صورت تجربیدی در درون حصار باغ به تحلیل فضاهای باز و بسته می‌پردازیم اما نباید از تاثیر ارتباط دوسویه باغ و بافت پیرامون آن در شکل‌گیری این فضاها که در نهایت ساختار بصری شهر را می‌سازند، غافل بود^۱. به ویژه با توجه به آنچه در بند پیشین در خصوص غلبه فضاهای باز بر فضاهای بسته در باغ گفته شد، اهمیت چگونگی استقرار کوشک در ارتباط بین باغ و بافت شهری، آشکارتر می‌شود چرا که "معماری در بیرون هیچ وقت تنها نیست. اثر معماری که محاط در میان بناهای دیگر، محوطه باز یا فضاهای خالی است، در همه ابعاد بصری اش به محیط بستگی دارد" (آرنه‌ایم، ۱۳۸۲، ۱۲۶).

گروه اول

گروه نخست باغ‌هایی هستند که در آنها کوشک به صورت بنایی منفرد، در پلانی مربع، مستطیل (با تناسباتی نزدیک به مربع) یا چند ضلعی، در مرکز باغ و در امتداد محوری که از ورودی (یا عمارت سردر) آغاز شده، قرار گرفته و باغ را به چهار بخش تقسیم می‌کند (تصویر a-1). کوشک دارای پلانی بی‌تکلف و ساده است و در فضاها یا عملکردهای آن نیز پیچیدگی و تنوع چندانی دیده نمی‌شود. فضاهای خدماتی نظیر حمام (در صورت وجود) بدور از محوطه اصلی، بدون معماری موثر و عمدتاً متصل به حصار باغ احداث می‌شدند. باغ‌های جهان نما، دلگشا و نظر را می‌توان در این دسته جای داد.

پیوند کوشک بازمینه

قرارگیری توده معماری یا کوشک در مرکز ثقل بصری و هندسی یک فضای باز و مسطح آن را بسیار شاخص و برجسته می‌نماید. کوشک با یک یا دو اشکوب به صورت منفرد یا ساختاری روشن و به تنهایی در دل فضای سبز (طبیعت) به عنوان نقطه عطف جای گرفته و فرم پلانی و محل استقرار آن، این

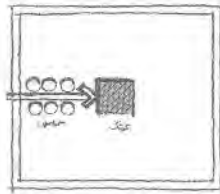
می‌گیرد که بتواند از ویژگی‌های هندسی ذاتی به منظور انطباق هرچه بهتر آن با شرایط خاص سایت و دستورالعمل‌های موجود بهره‌برداری کند" (مایس، ۱۳۸۳، ۱۴۰). اگر به این عوامل، آمال، تمنیات و قدرت سازنده را اضافه کنیم، تنوع در آرایش فضایی منطقی و غیرقابل اجتناب است.

حال این نوشتار می‌کوشد بدون توجه به چگونگی تاثیر این عوامل، بدون نگاه به پیش فرض‌ها و فارغ از علت‌ها؛ تنها به معلول بنگرد و در آن به بررسی رابطه توده و محوطه و تلاش برای دسته‌بندی صور مختلف آن و تاثیرات بصری و فضایی حاصله بپردازد.

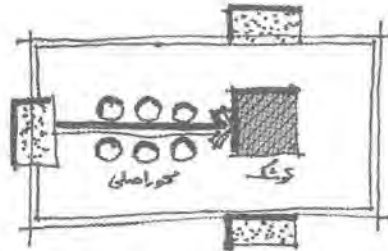
بنا و محوطه

می‌توان بین باغ و دیگر ابنیه نظیر خانه، مسجد، بازار و حمام که هر یک از آنها نیز پاسخگوی بخشی از نیازهای فردی و اجتماعی بشر همچون سکونت، عبادت، تجارت و... هستند؛ دو تفاوت عمده برشمرد. نخست آنکه باغ در دید کلی مکانی است تفرجی و اگر نیازهای پیش‌گفته را براساس وجوب و ضرورت آنها برشمريم، باغ در رده‌های واپسین قرار می‌گیرد. به عبارتی فعالیت حادث شده در آن جزء نیازهای ضروری و اولیه بشر (به ویژه نیازهای مادی) نیست. باغ‌های ایران بیشتر حاکی از نیازهای روحی و کمتر متناسب با نیازهای قابل سنجش است" (پوپ، ۱۳۸۴، ۲۴۵). گرچه در جوامع صنعتی و عصر حاضر اوقات فراغت و برنامه‌ریزی برای آن از دغدغه‌های جامعه‌شناسان است، لیکن این پدیده در جوامع کشاورزی جایگاهی تعریف شده نداشته و البته به همین دلیل حضور پررنگ باغ در تاریخ این مرز و بوم می‌تواند حجتی بر غنای فرهنگ اسلاف ما و توجه آنها به ایجاد فضایی آرام و فرحبخش باشد و از این منظر مطالعه و کنکاش در باغ ضروری است چرا که در حقیقت "باغ می‌تواند ابعاد مختلف زندگی آدمیزاد و از آن مهم‌تر ابعاد فکری و محیطی او را جلوه‌گر سازد" (فلامکی، ۱۳۸۳، ۴).

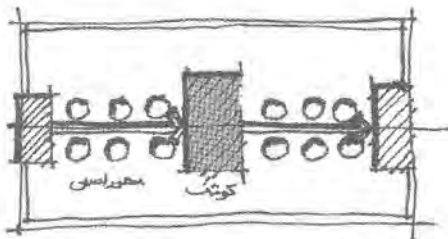
اما تفاوت دوم که به محتوای این نوشتار بسیار مرتبط است: ما در باغ با طراحی محوطه یا همان که امروز آن را Landscape می‌نامیم روبرو هستیم. در اینجا بنا یا توده معماری تنها بخشی از مجموعه است و آنچه بیشتر اهمیت می‌یابد مسیرها و محورها، چشم‌اندازها و فضاهای باز هستند که به کمک آب و گیاه،... متأثر از بستر در قالب یک هندسه شکل گرفته‌اند. لذا در مقایسه با دیگر ابنیه و در تعیین اینکه محوطه، زمینه است یا متن باید تامل بیشتری به خرج داد. در دیگر ابنیه توده معماری شکل می‌گیرد و برافراشته می‌شود و فضای باقیمانده محوطه، حیاط، پیشخوان و... خواهد بود^۲. اما در باغ محوطه از نظر اهمیت، سطح اشغال، اثرگذاری بر ساختار طرح و... اولی است چرا که باغ برای خلق فضای باز بنا می‌شود. به بیانی دیگر در باغ، این طبیعت است که بنا را دربر گرفته و بر آن محیط است ولی در دیگر ابنیه حیاط (طبیعت) محاط در توده معماری است. بر این اساس به



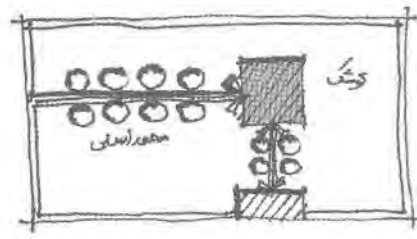
a- کوشک با قدرت در مرکز باغ قرار می گیرد.



b- کوشک در ۱/۳ انتهایی باغ قرار می گیرد، فرم کشیده باغ و محل استقرار کوشک، محوری طولی ایجاد می کند، فضاهای خدماتی افزایش یافته اند.



c- حیاط های چند گانه توسط محور اصلی ایجاد می یابند، اندرونی بیرونی کاملاً تفکیک شده و بین آنها ارتباط بصری وجود ندارد.



d- یکی از بناها در راستای محور است و دیگری با نحوه استقرار خود، محوری جدید می سازد. مجموعه به تعادلی پویا می رسد.

تصویر ۱- تقسیم بندی چهارگانه باغ. (مأخذ: نگارنده)

حرکت او به سمت کوشک، تنها به درک جزئیات بیشتری از نما نظیر آجرکاری، کاشی کاری یا تزئینات منجر می شود.

اجزاء و سازماندهی

گام نخست در بررسی یک سیستم یا نظام، شناخت اجزاء آن است. شاید بتوان گیاه، آب و توده معماری را اجزاء باغ ایرانی بدانیم و در این میان توده معماری که به صورت کوشک، سردر و فضاهای خدماتی بروز می کند عضو متغیر و گیاه و آب را که نقش عمده آنها - در بحث پیش روی - شکل دهی محورها و مسیره است به عنوان اعضا ثابت در نظر بگیریم^۵. از سوی دیگر هر سیستم متشکل یا وابسته به تعداد و نوع اجزاء و سیستم نظم دهنده بر آنهاست و باغ - شاید به بیانی کلی تر معماری سنتی ما- ذیل آن گروه از سیستم های حاکم بر یک نظام یا سازمان قرار می گیرد که در آن هریک از اجزاء مجموعه به خودی خود کامل هستند و براساس یک سیستم نظم دهنده ی ساده یا پیچیده استقرار یافته، ترکیب شده و ساختار کلی را تشکیل می دهند^۶. ارتباط فضایی اجزاء با یکدیگر و با محوطه و یافت پیرامون شان به وسیله این سیستم نظم دهنده تبیین می شود. براین اساس در این بخش تلاش می شود تا ارتباط دوسویه ی تغییر عضو متغیر (کوشک) و سیستم نظم دهنده بر باغ را بررسی کنیم.

"سازماندهی فضایی دوران گذشته اهمیت زیادی برای مشخص بودن مرکز قائل می شد. محور نیز به مثابه ساختار وجودی اصلی، و معمولاً دارای رابطه ای مستقیم با مرکز تشخیص داده می شد" (شولتز، ۱۳۸۶، ۲۹). این خصیصه در این دسته از باغ ها کاملاً به چشم می خورد، همه مسیرها به توده معماری (کوشک) ختم می شوند که گرچه شاید عملکرد چندان خاصی را نیز در خود جای نداده، لیکن در مرکز هندسی، بصری و عملکردی باغ است و این مکمل ویژگی منفرد و سمبلیک بودن آن است که در بخش پیشین بدان اشاره شد. اجزاء در این سیستم به تنهایی کامل و دارای نظامی ساده هستند و نظم حاکم بر مجموعه آنها نیز ساده، دارای ساختاری

ویژگی را تقویت می کند. این کیفیت، خصایص بناهای روم و یونان را به ذهن متبادر می سازد که در آنها "بنا نسبت به اطراف خود دارای استقلال مطلق است"^۴ (زوی، ۱۳۷۶، ۶۲). لیکن گشودگی های کوشک رو به محوطه، فضاهای نیمه باز در قالب ایوان، تالار و... پرداخت ماهرانه محوطه و تعریف منطقی محور، زمینه ارتباط توده را با محوطه موجب شده و از انفکاک آن جلوگیری کرده است.

تجربه ناظر و بعد زمان

پیش از ورود به بحث یادآوری می شود که محور - ناظری که قدم به باغ می گذارد وارد مسیر یا راهی می شود که آن را محور می نامیم- از اجزاء ثابت باغ ایرانی است و در طراحی آن تسلط و مهارت هنرمند ایرانی به غایت دیده می شود. ما ناظر و تجربه او را در این محور، از ورودی یا سردر باغ تا نقطه انتهایی (کوشک) مدنظر قرار می دهیم و آن را برحسب موقعیت کوشک در هریک از دسته های تعریف شده بررسی می کنیم. به عبارتی ضمن اذعان به ویژگی های بی نظیر بصری و فرمال محور در باغ ایرانی، سعی در شناخت تأثیرات ناشی از چگونگی استقرار کوشک بر برداشت و تجربه ناظر در طی حرکت در محور داریم.

بی شک تجربه ی محوری از جنس گیاه و آب، یا هندسه ای روشن و کوشکی موقر در انتهای آن؛ خوشایند است. درختان دوسوی مسیر به عنوان عناصر عمودی، محصوریت لازم را برای مسیر حرکت فراهم می کنند و مسیر آب و ردیف بوته های گل روییده بر پای درختان به عنوان خطوط افقی او را به سمت کوشک که در مرکز باغ جای دارد، هدایت می کنند، (تصویر 2-a). در این باغ ها مسیرهای فرعی عمود بر محور اصلی (در صورت وجود) ضعیف و کم اثرند لذا حرکت ناظر گرچه آرام، اما بدون سکون است.

مرکزی بودن پلان توده معماری، منفرد بودن آن، و وضوح هندسه باغ سبب می شود تا عامل زمان در تجربه ناظر تأثیری نداشته باشد. به بیانی دیگر ناظر، کلیت کوشک و بخش عمده ای از باغ را اندکی پس از ورود به باغ درک می کند و گذشت زمان و

همه شرایط لازم را برای تسلط توده بر پیرامون خود مهیا می‌کند. تقسیم بندی یک مربع می‌تواند بر اساس قطرهای آن صورت گیرد و با آنکه خطوط تقسیم را موازی اضلاع در نظر گرفت که تقریباً در اکثر باغ‌های ایرانی روش دوم به کار گرفته شده و محورها پدید آمده‌اند^۷. و به این ترتیب بر مرکزیت کوشک تاکید شده است. از طرفی از آنجا که فرم مربع (کوشک) خنثی و بدون جهت گیری است و به بیانی ساده نمی‌توان جلو یا پشت یا جانب بنا را تعیین کرد، لذا فضاهای چهارگانه‌ای ایجاد شده در باغ به لحاظ کیفی مشابه بوده و ارجحیتی بر یکدیگر ندارند، بر همین اساس میدان نیروهای پراکنده از کوشک نیز تقریباً در همه جهات یکسان است (تصویر 3-a).

در مجموع می‌توان گفت در این باغ‌ها تنوع فضایی چندانی وجود ندارد، محدوده فضاها کاملاً تعریف شده و کیفیت آنها تقریباً یکسان است و صرفاً ورودی و محور اصلی سبب ارجحیت نسبی این فضا (حداصل ورودی و کوشک) شده‌اند. همچنین فضای حاکم بر باغ به لحاظ کیفی، فضایی ایستا، پایدار و کاملاً متعادل است.

گروه دوم

باغ‌هایی را که نسبت به دسته نخست دارای تفصیل، تکلف و گسترش بیشتر هستند، در این گروه جای می‌دهیم که در آنها فضاهای عملکردی به دلیل بروز نیازهای جدید، گسترش و تنوع یافته‌اند و در نتیجه علاوه بر گسترش کوشک و تبدیل آن از پلان مربع (مرکزی) به مستطیل (خطی)، فضاهای خدماتی نظیر حمام، فضایی برای اسکان خدمه، اصطبل و... نیز به مجموعه اضافه می‌شوند. گرچه بناهای خدماتی نسبت به باغ‌های دسته نخست افزایش یافته‌اند لیکن به لحاظ قرارگیری باز هم در حاشیه و بدون تاثیر بر محور اصلی هستند. کوشک در ۱/۳ انتهایی باغ و عموماً بر روی یک سکو قرار گرفته، باغ را به دو بخش بیرونی و اندرونی تقسیم می‌کند (تصویر 1-b) و این مهم‌ترین وجه تمایز آنها با باغ‌های گروه نخست است. در برخی نمونه‌ها علاوه بر مسیرهای قرعی عمود بر محور اصلی، مسیرهای موازی آن نیز وجود دارند. باغ‌های فین، شاهزاده کرمان و سالار کلانتر^۸ را می‌توان از این زمره دانست.

پیوند کوشک بازمینه

قرارگیری کوشک در این دسته از باغ‌ها قرابت‌ها و نیز برخی تطابق‌ها را با باغ‌های دسته نخست دارد لیکن فزونی نیازهای عملکردی، افزایش مساحت فضاهای خدماتی را در پی داشته‌است و گرچه این بناها منظر اصلی باغ (محور باغ) را مخدوش نکرده و عیان نیستند لیکن کوشک را از حالت انفرادی در آورده‌اند.

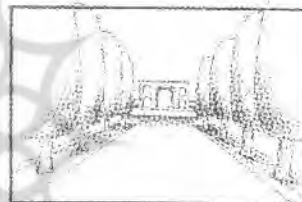
افزایش فضاها و توسعه کوشک که منجر به کشیدگی پلان آن شده، از سویی امکان ایجاد ایوان یا فضاهای نیمه باز وسیع‌تری را فراهم کرده و از دیگر سو سطح تماس و اثکاء آن را با زمین افزایش داده و بر خلاف دسته اول که کوشک تمایل داشت خود را از زمین

آشنا و هندسه‌ای خوانا است. باید یادآور شد در این باغ‌ها میل به استقلال اجزاء به دلیل قلت تعداد و تکامل هریک از آنها زیاد است.

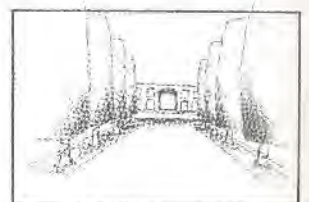
فضا و نیروهای بصری

"بناها به هرصورت که باشند میدان نیروهایی در اطراف خود پدید می‌آورند، و ترکیب خاص چنین میدانی در هر مورد به فرم ساختار مولد آن بستگی دارد" (آرنه‌ایم، ۱۳۸۲، ۴۵). لذا تغییر در فرم و محل استقرار توده معماری در باغ سبب تغییر در نوع و کیفیت نیروهای بصری شده و در نهایت اثر خود را بر کیفیت فضایی و تقسیمات آن می‌گذارد. در این بخش قصد تحلیل بصری (دو بعدی یا سه بعدی) و ورود به قواعد و هنجارهای ترکیبات خط، سطح و حجم را به دلیل گستردگی موضوع نداریم، بلکه صرفاً به صورت موجز و کلی اشاره‌ای بدانها می‌شود و فضاهای ایجاد شده در باغ توسط توده معماری را مروری اجمالی می‌کنیم.

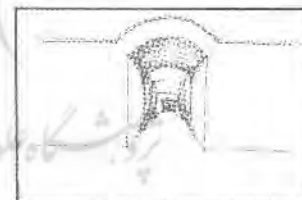
پیشتر اشاره شد که قرارگیری یک توده یا قرمی نزدیک به مربع در مرکز یک محوطه محصور که تناسب آن نیز به مربع نزدیک است



3-a کوشک به‌عنوان تصویری است که ناظر می‌بیند. ساختار باغ در بدو ورود برای ناظر روشن می‌شود.



3-b کوشک، امتداد دید ناظر را قطع می‌کند.

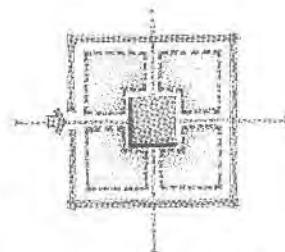


3-c در بدو ورود تصویری از کوشک دیده می‌شود. ناظر حیاط‌ها و فضاهای مختلفی را تجربه می‌کند.

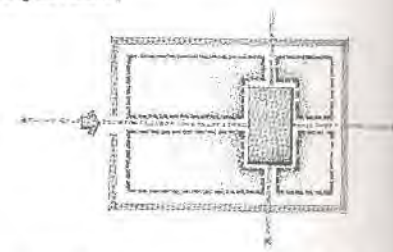


3-d تنوع و پویایی فضا که منجر به عدم مرزبندی دقیق فضاها می‌شود.

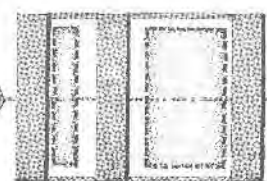
تصویر ۲- تجربه ناظر و بعد زمان. (مأخذ: نگارنده)



2-a چهار فضا با ارزش‌های تقریباً مساوی



2-b فضای جلوی باغ، فضای اصلی و بیرونی در مقابل فضای اندرونی در پشت کوشک.



2-c فضاهای تفکیک شده با محدودیت دقیق



2-d تنوع و پویایی فضا که منجر به عدم مرزبندی دقیق فضاها می‌شود.

تصویر ۳- تقسیمات فضایی متأثر از استقرار کوشک. (مأخذ: نگارنده)

جدا کند، اتصال قوی تری با زمین پیدا کرده و اصطلاحاً بر زمین نشسته است. در نتیجه کوشک پیوند بیشتری با محوطه پیدا کرده و از مجسمه وار بودن فاصله می گیرد.

تجربه ناظر و بعد زمان

محور در این باغ ها، به دلیل عدم استقرار کوشک در مرکز باغ، طولی تر شده و علاوه بر ایجاد جذبه بیشتر، فضایی رسمی تر و با تکلف فزون تر (نسبت به باغ های دسته نخست) برای ناظر پدید می آورد. مسیرهای فرعی که عمود بر محور اصلی هستند بدون آنکه از قدرت آن بکاهند نقاط مکث و سکونی را در مسیر حرکت ناظر پدید می آورند. همچنین توده معماری (با پلان کشیده خود) امتداد دید ناظر را قطع می کند. بنا در باغ های گروه اول، بخشی از تصویری است که ناظر می بیند، اما در اینجا بنا دید او را به فضای پشت مسدود کرده است^۹. در نتیجه نقطه انتهایی دید او کوشک است و این سبب می شود دعوت کنندگی و جذبه مسیر بیشتر باشد (تصویر b-2).

عامل پیش گفته همچنین سبب می شود زمان، اندکی در تجربه او دخیل شود و به دلیل عدم رویت و درک کامل کوشک در گام های نخست به مرور به درکی کامل از کوشک و باغ برسد.

اجزاء و سازماندهی

سازماندهی اجزاء در این گروه از حیث نوع اجزاء و نظم حاکم بر آنها به جز افزایش تعداد اجزاء (توده معماری در قالب فضاهای خدماتی و مسیرهای فرعی) شباهت فراوانی با باغ های گروه نخست دارد. اندک تفاوت ایجاد شده در فرم کوشک نسبت به گروه اول و نیز افزایش فضاهای معماری (فضاهای خدماتی) سبب شده تا استقلال هریک از اجزاء کمتر شده و هر عضو وابستگی بیشتری به نظام کلی پیدا کند^{۱۰}.

سازماندهی حاکم بر مجموعه سازماندهی مرکزی است و می دانیم در این سازماندهی عنصری که می تواند نقطه، سطح، حجم یا فضا باشد در کانون قرار گرفته و جهت گیری مجموعه به سمت این مرکز و کانون خواهد بود. در اینجا گرچه توده معماری (کوشک) در مرکز هندسی باغ واقع نشده لیکن مرکز بصری و عملکردی باغ است. ساختار حاکم بر مجموعه همچنان روشن و شفاف است و از آنجا که سهولت ادراک به سادگی ساختار مربوط می شود^{۱۱} لذا درک و اشراف بر مجموعه غامض نیست.

فضا و نیروهای بصری

در این باغ ها و در مقایسه با باغ های گروه اول می توان سه تفاوت که ادراکات بصری باغ را نیز تحت تاثیر قرار می دهند، مشاهده کرد: جابجایی توده معماری از مرکز و قرارگیری آن در ۱/۳ انتهایی باغ، تغییر فرم پلانی توده معماری از مربع به مستطیل و در نهایت تغییر فرم محدوده باغ از مربع به مستطیل.

تغییر مکان کوشک سبب شده تا از مرکزیت آن کاسته شود، اما در مقابل طولی شدن محور، کشش به سوی آن را بیشتر کرده است. به علاوه محور اصلی با پرداخت و تناسبات مناسب خود توانسته، علیرغم فاصله زیاد کوشک تا ورودی، ارتباط بصری لازم بین آنها را فراهم کند. همچنین فرم مستطیل برخلاف مربع خنثی نبوده و دارای جهت است چرا که میدان نیروهای برآمده از آن در همه جهات یکسان نیست که خود سبب تقسیم باغ به دو بخش یا قضا با ارزش ها و کیفیت متفاوت می شود و می توان جلو یا پشت بنا را تعیین کرد. حدفاصل ورودی تا کوشک، بخش اصلی باغ (بیرونی) با پرداختی فزون تر و رسمی تر، و فضای پشت کوشک (اندرونی) فضای فرعی و با وسعتی کمتر است و همه عوامل پیش گفته (فرم و محل کوشک و ساختار باغ) بر آن دلالت و بدان کمک می کنند (تصویر b-3).

در مجموع در این باغ ها در مقایسه با باغ های گروه نخست، فضاهای، نقش های عملکردی متفاوتی را بر عهده دارند و تنوع کیفی آنها افزایش یافته لیکن کماکان تعریفی روشن و تحدیدی دقیق دارند. شخصیت فضایی باغ نیز، همچنان ایستا، پایدار و موقر است.

گروه سوم

تقسیم و تفکیک فضای باغ به چند بخش یا چند حیاط ویژگی بارز این گروه از باغ ها است. در باغ های پیش گفته بین بیرون و درون باغ، یک و حداکثر دو لایه یا پرده وجود داشت اما در اینجا تعداد این لایه ها و پرده ها بیشتر است. در برخی از آنها افزایش نیازهای عملکردی، کوشک را گسترده کرده و فضاهای خدماتی نیز یا متصل به کوشک و یا بطور جداگانه، لایه ها و بدنه های جدید را ایجاد کرده اند و نمونه هایی چون دولت آباد یزد پدید آمده و در برخی دیگر نظیر باغ قدمگاه نیشابور و یا هزار جریب^{۱۲} این تفکیک و لایه بندی یک عمل معمارانه بوده است. به هرحال ناظر برای سیر در باغ در راستای محور اصلی، از حیاطهای چندگانه عبور می کند و بدیهی است این لایه بندی، فضاهایی کاملاً تفکیک شده به وجود می آورد که به عنوان نمونه در باغ دولت آباد یزد هر یک به اندرونی و بیرونی اختصاص یافته اند (تصویر ۴). برخی از باغ مزارها نظیر شاه نعمت الله کرمان نیز در این گروه قرار می گیرند (تصویر c-1).

پیوند کوشک بازمینه

توضیح و تفصیل بالا مشخص می کند که کوشک در این باغ ها کاملاً از عنصری سمبلیک و مجسمه وار فاصله گرفته و با محوطه پیوند خورده و گاهی کشیدگی آن در عرض باغ، تا حصار نیز ادامه یافته است. ضمن آنکه کوشک دیگر بنایی منفرد نیست و در برخی از آنها اصولاً کوشک تعریفی متفاوت پیدا کرده است.

اجزاء و سازماندهی

در این گروه از باغ‌ها نوع، تعداد و نظم حاکم بر اجزاء متفاوت از باغ‌های پیشین است، وجود نیازهای عملکردی جدید که سبب تعدد و تنوع فضاها به لحاظ فرم، ابعاد و عملکرد شده از یک سو، و حیاط‌های تفکیک شده از سوی دیگر قابلیت انطباق و سازگاری با سازماندهی مرکزی را ندارند، لذا محور اصلی نقشی کلیدی را در سازماندهی پیدا می‌کند. شاید مشاهده این جمله بلافاصله سازماندهی خطی را به ذهن متبادر سازد که در آن فضاها در یک یا دو طرف محور استقرار می‌یابند؛ در اینجا نیز محور به عنوان یک عامل مفروض^{۱۴} سبب سازماندهی و انسجام مجموعه می‌شود. گرچه توده معماری نه در جانب محور بلکه عمود بر آن مستقر شده و محور را قطع می‌کند. علیرغم آنکه محور در یک یا چند نقطه توسط توده معماری قطع می‌شود اما همچنان قدرت خود را برای حفظ پیوستگی و وحدت اجزاء حفظ می‌کند. به طور خلاصه می‌توان گفت در این گروه از باغ‌ها انسجام مجموعه با سلسله مراتب و توالی فضاهای باز و بسته حول یک محور ایجاد می‌شود.

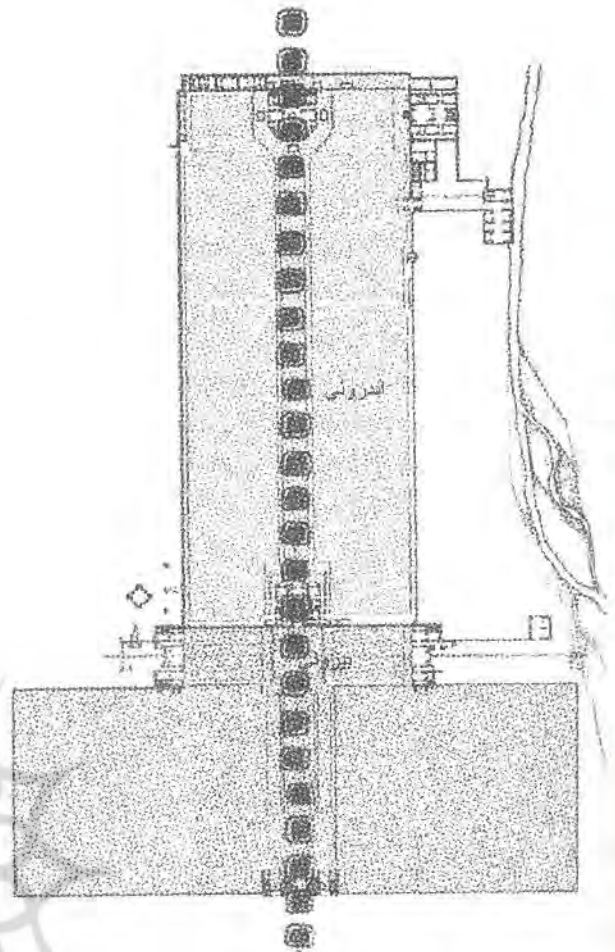
همچنین یادآوری می‌شود علیرغم آنکه ناظر در ابتدای ورود، به ساختار کلی و قوف پیدا نمی‌کند، لیکن با گذر از فضاها به دلیل ساختار ساده باغ، می‌تواند به راحتی تصویری کلی از طرح و نظام حاکم بر آن در ذهن خود بسازد.

فضا و نیروهای بصری

ناظر در این باغ‌ها با فضاها یا حیاط‌هایی کاملاً تعریف شده و گاهی کاملاً محصور روبرو می‌شود (تصویر 3-3). همانطور که پیشتر گفته شد در گذر از فضای عمومی به مرکز باغ، سلسله مراتب فضایی ایجاد شده سبب خلق فضاهایی با کیفیت و عملکردهای متنوع شده است. لذا تنوع فضایی اعم از فضای باز، بسته و نیمه باز در این باغ‌ها چشمگیر است. از سوی دیگر در هر یک از این فضاها یا حیاط‌ها یک ترکیب بندی بصری (دو بعدی و سه بعدی) ایستا و متعادل ناشی از تقارن (کامل یا نسبی) وجود دارد و ناظر پیش از آنکه به کندوکاو و جستجو در ترکیبات بصری بپردازد به پذیرفتن آن فرا خوانده می‌شود.

گروه چهارم

وجود دو کوشک یا عمارت در این باغ‌ها سبب بروز تفاوت‌های ساختاری با بقیه باغ‌ها شده است، همچنین علاوه بر محور اصلی (محورهای) دیگری نیز در باغ ظاهر می‌شود که گاهی نمی‌توان با اطمینان یکی از آنها را محور اصلی دانست (تصویر 1-4). گرچه محور به لحاظ جنسیت، فرم و ساختار با آنچه در باغ ایرانی دیده می‌شود تطابق دارد، اما فرم عمارت در برخی از نمونه‌ها، به دلایل مختلف، متفاوت از فرم شناخته شده کوشک است و دامنه آن از کوشک باغ گلدسته تا عمارت باغ فتح آباد یا بیرم آباد



تصویر ۴- باغ دولت آباد یزد -
تفکیک اندرونی و بیرونی، انتظام محور،
(مأخذ: باغ ایرانی، حکمت کهن، منظر جدید)

تجربه ناظر و بعد زمان

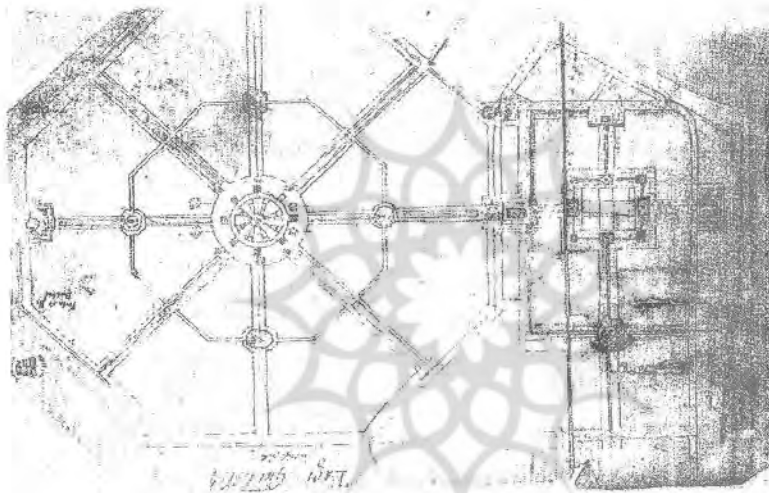
تجربه ناظر در این باغ‌ها به کلی متفاوت از دوگونه قبل است. ناظر برای رسیدن به مقصد باید از چند لایه عبور کند، او در ابتدا شاید تنها نشانه‌هایی از کوشک و عمارت تظیر مناره، بادگیر و... را ببیند، اما هیچ تصویری از آن را درک نخواهد کرد. ضمن آنکه ساختار کلی باغ نیز به سرعت برایش روشن نمی‌شود. او در طی مسیر، توالی فضاهای باز، نیمه باز و بسته را تجربه می‌کند (تصویر 2-3). به بیانی دیگر او با حرکت در محور اصلی - بدون آنکه راستای محور و حرکت او تغییر کند - هم از حیاط‌ها یا فضاهایی باز عبور می‌کند که به لحاظ کیفیت فضایی مشابه تبسند و هم از فضاهای بسته‌ای عبور می‌کند که این حیاط‌ها را از یکدیگر تفکیک کرده‌اند، بدین معنی غنای تجربه‌ی ناظری که محظوظ از کیفیات عینی و ذهنی باغ ایرانی در تداومی از فضا حرکت می‌کند؛ افزایش می‌یابد. لازم به یادآوری است همچون باغ‌های پیشین، فضاهای مکتبی در مسیر حرکت ناظر، در محل تلاقی محور اصلی و مسیرها (محورها)ی فرعی وجود دارند. ناگفته پیداست که در اینجا ادراک فضا فرایندی است وابسته به زمان و ساختار فضایی و تقسیم بندی باغ سبب می‌شود که زمان عامل مهم و موثری در تجربه ناظر باشد^{۱۵}، گرچه وضوح هندسه و سادگی ساختار، به او اجازه پیش بینی را می‌دهد.

متفاوت است. فضاهای ایجاد شده در باغ دارای تنوع کیفی و عملکردی هستند و فضای اندرونی و بیرونی با راهکارهای مختلف تعریف شده است. تقسیمات باغ از تریبعم معمول در باغ ایرانی تبعیت کرده و هندسه باغ ضمن حفظ اصول کلی، دارای ویژگی‌های بدیعی است. در مجموع می‌توان گفت عناصر باغ ایرانی در قالبی متفاوت در کنار یکدیگر قرار گرفته و تصویری ویژه از باغ ایرانی پدید آورده‌اند.

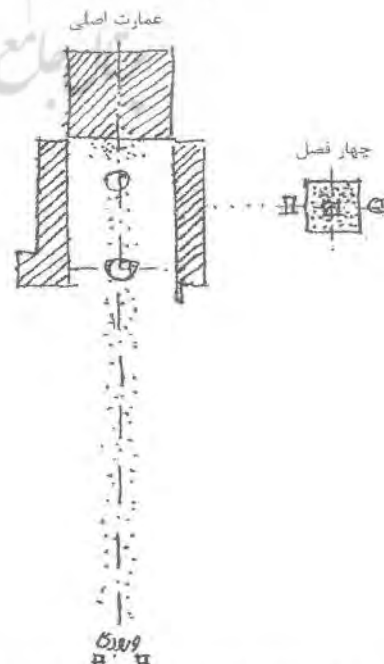
پیوند کوشک بازمینه

از آنجا که در این باغ‌ها بیش از یک کوشک یا عمارت وجود دارد، لذا تنوع بیشتری در تناسبات، فرم و محل استقرار آنها دیده می‌شود و اظهار نظر کلی کمی سخت و شاید ناصواب باشد. به نظر می‌رسد آنچه

در این باغ‌ها اهمیت بیشتری دارد چگونگی ارتباط بین دو عمارت باشد که در سطور بعد (سازماندهی و اجزاء) بدان اشاره خواهد شد. گرچه توده معماری یا کوشک همواره در امتداد یکی از محورهای باغ قرار دارد لیکن در برخی باغ‌ها نظیر باغ گلدسته (تصویر ۵)، کوشک میانی به لحاظ کیفیت قرابت فراوانی با کوشک‌های منفرد باغ‌های گروه اول دارد^{۱۵}؛ حال آنکه در باغ فتح آباد کرمان برخوردی جدید و متفاوت از نمونه‌های پیش گفته دیده می‌شود و عمارت لا شکل آن فعالانه به محیط وابسته است (تصویر ۶) و یا در باغ بیرم آباد کرمان یکی از عمارت‌ها گویی بر دامنه کوه روئیده و جزئی از آن است. در همان حال عمارت دیگر این دو باغ، با تفاخر، کوشک‌های گروه اول و دوم را به یاد می‌آورد.



تصویر ۵- باغ گلدسته - کوشک میانی قرابت‌های فراوانی با کوشک‌های گروه اول و دوم دارد. اما هندسه آن سبب ایجاد محورهای قطری شده است. (مأخذ: Gardens in the time of the great Muslim Empires)



تصویر ۶- باغ فتح آباد کرمان - عمارت لا شکل در امتداد محور اصلی است، لیکن استقرار عمارت چهار فصل سیب اسجد محوری عمود بر محور اصلی شده است.

(مأخذ: عکس هوایی: سازمان نقشه برداری، سال ۱۳۶۶ ه. ش)

فضا و نیروهای بصری

در بخش پیشین به پیچیدگی نسبی نظام حاکم بر این باغ‌ها و در نتیجه عدم تشابه آنها با یکدیگر اشاره شد، لذا در بحث کیفیات فضایی و مدرکات بصری با وضعیت جدیدی روبرو هستیم. در گام نخست وجود دو توده معماری هم ارزش سبب برقراری نوعی گفت‌وگو بین آنها می‌شود که دیگر نمی‌توان به سادگی درباره میدان‌های بصری آنها بحث و نتیجه‌گیری کرد. از سوی دیگر این گفت‌وگو و ارتباط در باغ‌های مختلف، متفاوت است. مثلاً در باغ گلدسته یکی از دو توده معماری در مرکز قرار گرفته و تسلط بیشتری بر پیرامون دارد حال آنکه در باغ بیرم آباد به سختی می‌توان یکی از دو توده را قوی‌تر دانست. در باغ فتح‌آباد به دلیل استقرار دو توده معماری در نزدیکی یکدیگر و به کمک محوطه‌سازی، ارتباط بصری مشخصی بین دو توده برقرار شده ولی در باغ بیرم‌آباد این ارتباط بیشتر ساختاری است تا بصری، لذا به دلیل وجود این تمایزات، سعی می‌شود در ادامه بیشتر به اشتراکات این باغ‌ها اشاره شود.

با اتکا به اصول گشتالت می‌توان گفت در باغ‌های گروه‌های قبل درک ناظر، سیر از کل به جزء است به عبارتی او ابتدا ساختار کلی حاکم بر باغ را می‌شناسد و سپس به شناخت اجزاء می‌پردازد^{۱۹}. لیکن در این گروه، سیر از جزء به کل است و ناظر نخست اجزاء را درک می‌کند و به مرور به درک کل و نظام حاکم بر آن می‌رسد. ناگفته پیداست که در این باغ‌ها علاوه بر آنکه فضاهایی با کیفیت‌های مختلف و متنوع (فضای خصوصی، عمومی، تیمه عمومی، محصور، باز، چشم‌اندازهای مختلف، ...) وجود دارد، فضاها در هم تنیده بوده و نفوذپذیری متقابل فضایی وجود دارد. در اینجا حیاطی کاملاً محصور نظیر اندرونی باغ دولت‌آباد مشاهده نمی‌شود بلکه گونه‌ای از پیوستگی و تداوم فضایی دیده می‌شود. فضاهایی پویا که در عین حال به تعادل و توازن موزون بین فضاهای مثبت و منفی رسیده‌اند، ویژگی بارز شخصیت فضایی این باغ‌هاست (تصویر ۳-۳).

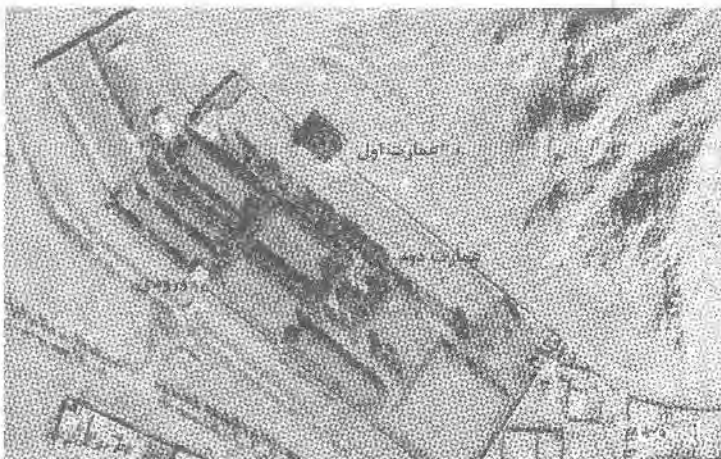
تجربه ناظر و بعد زمان

وجود بیش از یک محور و توده معماری سبب می‌شود ناظر بدلیل ابهام، اشتیاق بیشتری برای سیر در باغ داشته باشد. او پس از ورود در امتداد محور، عمارت را می‌بیند اما به دلیل نحوه استقرار عمارت‌ها و ساختار غیرخطی آنها، ضمن حرکت در ادامه‌ی مسیر با فضاها و محورهای جدیدی روبرو می‌شود (تصویر ۲-۲). در گونه‌های پیشین ناظر در امتداد محوری مستقیم حرکت می‌کرد اما در اینجا او نیاز به تغییر جهت دارد. پیچیدگی و درهم‌تنیدگی فضاها از یک سو و وجود فضاهایی (باز و بسته) با کیفیت‌های مختلف، مکاشفه‌ای جذاب برای اوست. مجموعه این عوامل سبب می‌شود علیرغم آنکه قواعدی ساده بر ساختار باغ حاکم هستند، اما ممکن است درک و وقوف کلی بر آن، تنها در پایان مسیر و پس از تجربه فضاها و مشاهده همه بناها مقدور باشد. از آنجا که " ادراک و تجربه فضاهایی که در یکدیگر تداخل پیدا می‌کنند تنها هنگامی عملی است که کسی در آنها حرکت کند" (گروتر، ۱۳۸۳، ۲۹۵) لذا عامل زمان در ارتباط مستقیم و فعال با تجربه ناظر قرار می‌گیرد و به نظر می‌رسد ناظر در این ساختار قدرت پیش‌بینی نخواهد داشت.

اجزاء و سازماندهی

شاید این تعریف از خلاقیت که آن را دادن نظم "تازه‌تر" به عناصر سازمانی که دارای نظم "اولیه‌تر" اند (صارمی، ۱۳۷۶، ۱۰۸) می‌داند، برای آنچه در این دسته از باغ‌ها می‌بینیم، مناسب باشد. گرچه در این باغ‌ها برخلاف باغ‌های پیشین بیش از یک کوشک، آن‌هم با تفاوت‌هایی در فرم و ساختار وجود دارد و در حقیقت تعداد و نوع اجزاء نسبت به بقیه باغ‌ها تغییر کرده، اما بیش از همه تفاوت در سیستم نظم‌دهنده، بر ساختار باغ تأثیر گذاشته است. بدیهی است با وجود دو توده معماری، محورهای جدیدی در کنار یا هم‌ارزش محور اصلی وجود خواهد داشت و دیگر سازماندهی مرکزی یا خطی نمی‌تواند انسجام لازم بین اجزاء را ایجاد کند؛ لذا ما در اینجا با نوعی سازماندهی دو مرکزی^{۱۶} روبرو هستیم که در آن انسجام مجموعه نه با مرکزیت کوشک (باغ‌های گروه اول و دوم) و نه توالی فضاها (باغ‌های گروه سوم) بلکه با برقراری تعادلی پویا میان اجزاء حاصل می‌شود. این نظم، متکی بر تعادل ظریف وزن‌ها و فواصل توده‌های معماری و نیز ترکیب و انتظام بهنجار فضاهای باز و بسته است. بنابراین چگونگی استقرار کوشک در محوطه و تعریف صحیح محورها که البته خود وابسته به فرم معماری کوشک است، اهمیت می‌یابد.

یادآوری می‌شود برپایه مفاهیم، تعاریف و الگوهای هندسی در حوزه معماری، ساختار کلی این باغ‌ها را نمی‌توان پیچیده یا از نوع سبک باز^{۱۷} دانست، لیکن در مقام مقایسه با باغ‌های پیشین، شفافیت در ساختار و ابضاح در هندسه کمتر شده است. برای مثال وقتی به عکس هوایی باغ بیرم‌آباد بنگریم (تصویر ۷)، تشخیص محور اصلی و درک ساختار باغ در مقایسه با باغ دلگشا، قین یا دولت‌آباد نیاز به تامل و دقت بیشتری دارد^{۱۸}.



تصویر ۷- عکس هوایی باغ بیرم‌آباد - استقرار کوشک‌ها سبب ایجاد محورهای جدید و تنوع فضایی شده است.
(ماخذ: Google Earth, May 2008, ارتفاع ۱۸۰ متر)

نتیجه

در قالب جوی، آبنما، کرت، مسیر حرکت، محور و... ظاهر می‌شوند، دارای دامنه تغییرات و تاثیر کمتری در ساختار باغ، نسبت به کوشک بوده و خود را با آن وفق می‌دهند. در باغ‌های مورد مطالعه تفاوت‌هایی در مشاهدات ناظر، چگونگی ارتباط و پیوند کوشک و محوطه، سادگی یا پیچیدگی ساختار، تعداد، تعریف، ترکیب، مرزبندی و کیفیت فضاها، سیستم نظم‌دهنده و در نهایت شخصیت معماری آنها که همگی متاثر از کوشک هستند؛ دیده می‌شود. در جدول ۱ که در آن خلاصه‌ای از

مقایسه باغ‌ها در چهار مقوله فوق تفاوت‌هایی را در کیفیات عینی و ذهنی باغ از جمله سازماندهی و ساختار، کیفیت و تعداد فضاهای باز یا حیاط‌ها، تجربه فضایی ناظر و... که متاثر از فرم، تعداد و محل استقرار کوشک است؛ نشان می‌دهد، به گونه‌ای که امکان طرح این فرضیه را که کوشک - به عنوان جزء متغیر - عاملی مهم در تبیین و تعیین کیفیت معماری باغ است؛ به ما می‌دهد. در حقیقت به جز بستر که نقشی بسیار مهم و تعیین‌کننده در شکل‌گیری ساختار باغ دارد؛ هندسه، آب و گیاه که

گروه اول	گروه دوم	گروه سوم	گروه چهارم
مربع یا چندضلعی محاط در مربع	مستطیل	مستطیل	متنوع: مربع، مستطیل، چندضلعی، لاشکل
محل استقرار	مرکز باغ	۱/۳ انتهایی باغ	متغیر
تعدد توده معماری	کوشک منفرد	کوشک منفرد و فضاهای خدماتی	تعدد کوشک
میزان ارتباط با محوطه			
تجربه ناظر و بعد زمان	دقتاً" و در بدو ورود	دقتاً" و در بدو ورود	تدریجی و حتی در پایان مسیر
تعداد کوشک	۱	۱	۱
تعداد محور	۱	۱	۱
سازماندهی	مرکزی	مرکزی	خطی، مرکزی دوگانه‌ای، مجموعه‌ای
سادگی یا پیچیدگی ساختار	ساده	ساده	پیچیدگی نسبی
عامل نظم‌دهنده (عامل مفروض)	مرکزیت کوشک	مرکزیت کوشک و محور	تعداد کوشک و محور
تنوع کیفی فضا	۱	۲	۲
تعداد فضا	۱	۲	۲
ویژگی فضایی باغ	ایستایی، تقارن مرکزی	ایستایی، تقارن محوری	تلاطم، تنوع و پویایی فضاها، تقارن موضعی
تعریف اندرونی و بیرونی			
ویژگی بارز	مرکزیت کوشک و وضوح هندسه	محور طولی و رسمی، مرکزیت کوشک	تعدد کوشک و محور، تنوع در سیستم سازماندهی، تنوع در فرم کوشک، تنوع فضایی
نمونه‌ها	باغ‌های نظر، دلگشا، جهان‌نما	باغ‌های شاهزاده، فین، سالار کلانتر	باغ‌های دولت آباد بزد، قدمگاه نیشابور
شکل کلی			

۱- فضاهای معماری متنوعی در باغ قرار دارند اما فقط یک بنای شاخص وجود دارد.

۲- مراد محوری است که پیرامون آن عنصر ویژه‌ای نظیر کوشک، سردرو... وجود داشته باشد و محورهای فرعی موجود در باغ را شامل نمی‌شود.

۳- کوشک باغ را به چهار بخش یا فضا با کیفیت یکسان تقسیم می‌کند اما مراد از تعداد فضا، فضاهایی با کیفیت‌های مختلف است.

فزون تر باشد، ساختار و کیفیت های معماری آنها به یکدیگر نزدیک تر است.

یادآوری ضروری دیگر آن است که علیرغم تفاوت های ذکر شده برای باغ‌ها، همه آنها -ضمن حفظ وحدت معنایی- زیر عنوان باغ ایرانی جای می‌گیرند چرا که اصالت و هویت معماری این مرزوبوم که مبتنی بر شناخت عمیق و دقیق نیازهای فطری کاربر است سبب شده که در ذات همه نمونه‌ها علیرغم وجود رگه‌هایی از تفاوت که ناشی از عواملی نظیر مختصات و خصوصیات سایت و بستر، عملکرد، آماز کاربر و... بوده؛ ویژگی‌ها و خصوصیات باغ ایرانی به تمامی حفظ شود به گونه‌ای که ناظر با تنفس در هر یک از آنها محظوظ از همه کیفیاتی می‌شود که از باغ ایرانی انتظار دارد.

مقایسه انجام شده بین باغ‌ها آمده، مشاهده می‌شود هرگونه تغییری در کوشک حداقل بر یکی از وجوه کیفی باغ اثر گذاشته، به گونه‌ای که مثلاً باغ‌های گروه چهارم که دارای چند کوشک با فرم‌های متنوع هستند، بیشترین تفاوت را با بقیه باغ‌ها دارند. این در حالی است که ممکن است عملکرد و یا حتی کیفیت بستر آنها به دیگر باغ‌ها نزدیک باشد. در سوی دیگر قرابت های نسبی کوشک‌ها در باغ‌های گروه اول و دوم، برخی همسانی های کیفی آنها را (با وجود تفاوت در عملکرد) در پی داشته است. لذا می‌توان نتیجه گرفت میان فرم، تعداد و محل استقرار کوشک از یک سو و ساختار باغ از سوی دیگر، ارتباطی قطعی وجود دارد که خود تاثیری همه جانبه بر کیفیت، حال و هوا و روحیه معماری باغ می‌گذارد؛ هر چه تشابهات کیفی و کمی کوشک در دو باغ

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ نمی‌توان این دسته بندی را کاملاً متفاوت از دسته بندی های رایج دانست، کافی است به باغ‌های گروه اول تا سوم -در این نوشتار- دقت شود، مثلاً باغ‌های گروه اول همان باغ‌های چهار بخشی یا چهار باغ هستند.
- ۲ این به هیچ روی بدان معنی نیست که حیاط یا فضای باز، باقیمانده یا به بیانی عام تر به مانده فضاهای معماری است بلکه نیک می‌دانیم از ویژگی های برجسته معماری ایرانی ترکیب بی نظیر فضاهای باز، بسته و نیمه باز است. همچنین در باغ، محوطه و توده معماری مکمل یکدیگرند و به تعبیری در آنها همزمانی طراحی وجود دارد.
- ۳ جهت اطلاع بیشتر نگاه کنید به 'باغ‌ها به مثابه پیش آیند شهر' نوشته استاد مرحوم میرفاندرسکی، جلد پنجم دومین کنگره معماری بم.
- ۴ این قیاس صرفاً فرمی است چرا که می‌دانیم فضای داخل معابد یونان پذیرای عملکردی نبوده و این کاملاً با کوشک متفاوت است.
- ۵ از آنجا که فرم، وسعت، محل استقرار و عملکرد کوشک در باغ‌های مختلف متفاوت است؛ آن را عضو متغیر در نظر گرفتیم. لیکن خصوصیات محور متشکل از آب، گیاه و مسیر دارای دامنه تغییرات اندکی است که بیشتر در نحوه همجواری عناصر محور دیده می‌شود به عنوان مثال این همجواری می‌تواند گیاه-مسیر-آب-مسیر-گیاه و یا آنکه گیاه-آب-مسیر-آب-گیاه باشد لذا امکان آن که محور را عضو ثابت در نظر گرفت، وجود دارد.
- ۶ جهت اطلاعات بیشتر نک (گروتو، ۵۴۰، ۱۳۸۳ تا ۵۷۰).
- ۷ به عنوان نمونه ای نادر می‌توان به باغ گلدسته (تصویر ۵) اشاره کرد که در آن محورهای قطری نیز وجود دارند.
- ۸ باغ سالار کلانتر در شهر کرمان در محدوده ای موسوم به سرآسیاب و در نزدیکی باغ بیرم آباد قرار دارد. در حال حاضر تنها عمارت و سطح اندکی از عرصه باغ باقی مانده است. بانی و مالک آن میرزا مهدی خان کلانتر بوده و بر اساس اظهارات عزت الله سالار کلانتری نوه میرزا مهدی خان، باغ بعد از سال ۱۲۹۵ هـ ق بنا شده است.
- ۹ به همین دلیل است که در این باغ‌ها فضای پشت کوشک عموماً برای اندرونی مورد استفاده است.
- ۱۰ پیش تر اشاره شد که در این گروه از باغ‌ها کوشک از حالت مجسمه وار بودن فاصله گرفته است.
- ۱۱ گوبریج معتقد بود لازمه فراگیری دیدن و درک، سادگی است و بر این اساس فرضیه "سهولت ادراک به سادگی ساختار مربوط می‌شود" را ارائه کرد.
- ۱۲ وسعت بسیار زیاد باغ هزار جریب سبب شد تا آن را در این دسته از باغ‌ها قرار دهیم. می‌دانیم باغ در چندین سطح ساخته شده بوده که بین آنها دیواری وجود نداشته لیکن سطح وسیع آنها عملاً باغ را به بخش هایی با حریم کاملاً مشخص تقسیم کرده اگرچه در دوره ای بین اندرونی یا حریم سرا و بقیه باغ، دیواری احداث شده بود. همچنین توده معماری یا کوشک به لحاظ تناسبات و استقرار در فضا قرابت های فراوانی با باغ‌های گروه نخست دارد. لیکن آنچه اهمیت دارد سازماندهی باغ حول محور اصلی است. "جزئیات ترسیمات کمپوز از این باغ نشان می‌دهد طراحی باغ بر اساس آکس اصلی بوده تا یک پلان چهاربخشی" (Alemi, ۱۹۷۷, ۷۵).
- ۱۳ بدیهی است ورود مبثی یا عنوان بعد چهارم یا بعد زمان در معماری به اوایل قرن پیش برمی‌گردد و اشاره به آن در تحلیل باغ‌ها به هیچ روی بدین معنی نیست که بعد زمان در معماری آن دوره حضوری آگاهانه و از پیش اندیشیده شده، داشته است.
- ۱۴ مراد از عامل مقروض تعریفی است که چینگ در کتاب شناخته شده خود "فرم، فضا، معماری" از آن ارائه کرده است: عامل مقروض، خط، سطح یا حجمی است که سایر عناصر ترکیب می‌توانند به آن متصل شوند. این عامل از طریق نظم، پیوستگی و پایداری خود، الگوهای تصادفی و نامنظم را سازماندهی می‌کند.
- ۱۵ کوشک باغ گلدسته دارای پلانی ۱۶ ضلعی است و همانگونه که در بند شش پی‌نوشت‌ها اشاره شد، هندسه کوشک سبب ایجاد محورهای قطری در باغ شده است.
- ۱۶ این نوع سازماندهی را دوکانونی نیز می‌نامند. جهت اطلاع بیشتر نک (کلارک، ۱۶۳، ۱۳۷۵ و ۲۱۹).
- ۱۷ هاینتریش و لفلین (Heinrich wolfflin) در کتاب خود با عنوان "مبانی اولیه تاریخ هنر" آثار هنری را ذیل دو سبک باز و بسته جای می‌دهد. تعریفی که او از سبک باز در حوزه معماری می‌دهد قانون مندی غیرروشن و نظم غیرمنسجم است که در مقابل قانون مندی روشن و نظم منسجم یا سبک بسته قرار می‌گیرد.

۱۸ بسیار محتمل است که در دوره شکوفایی باغ، به دلایل و با عوامل مختلف یکی از محورهای اصلی و برجسته بوده، اما ساختار باغ از دید دو بعدی، آن را مشخص و متمایز نکرده حال آنکه در تصویر دویعدی باغی مثل باغ گلشن محور اصلی به راحتی تمیز داده می‌شود.
۱۹ مراد از اجزاء باغ توده معماری، نظام کاشت، نظام آبیاری، محور و ... است.

فهرست منابع:

- آرنه‌ایم، رودولف (۱۳۸۲)، پویه‌شناسی صور معماری، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، سمت و فرهنگستان هنر، تهران.
پوپ، آرتور (۱۳۸۴)، معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، نشر اختران، تهران.
دانشنامه جهان اسلام (۱۳۷۵)، جلد ۱، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، تهران.
زوی، بروتو (۱۳۷۶)، چگونه به معماری بنگریم، ترجمه فریده گرمان، کتاب امروز، تهران.
صارمی، علی اکبر و رادمرد، تقی (۱۳۷۶)، ارزش‌های پایدار در معماری ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۳)، رمز و رازهای باغ ایرانی، مجله موزه‌ها، شماره ۴۱، ص ۴.
کلارک، راجر و پاوژ، مایکل (۱۳۷۵)، تجزیه و تحلیل و نقد شاهکارهای معماری، ترجمه سعید آقایی، سید محمود مدنی، محیا، تهران.
کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰)، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاوس جهانداری، خوارزمی، تهران.
گروتر، یورگ کورت (۱۳۸۳)، زیبایی‌شناسی در معماری، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد، عبدالرضا همایون، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
مایس، پی یرفون (۱۳۸۳)، نگاهی به مبانی معماری، ترجمه سیمون آیوازیان، دانشگاه تهران، تهران.
نوربرگ شولتز، کریستین (۱۳۸۶)، ریشه‌های معماری مدرن، ترجمه محمد رضا جودت، انتشارات شهیدی، تهران.

Alemi, Mahvash (1977), The royal gardens of safavid period, Gardens In the Time of the Great Muslim Empires. Brill, New York.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی